

گفتگوهای گزارشگران درباره تحولات سیاسی در کشور عراق و اقلیم کردستان - گفتگو با ثریا شهابی



عراقی که در آن، کردستان از طریق احزاب ناسیونالیست حاکم بر اقلیم آن، حیاط خلوط ایران و ترکیه و آمریکا و عربستان و... است. جغرافیایی که در آن هر مرجع مذهبی تا مغز استخوان مرتجعی، چون سیستانی ها و مقتدا صدر ها، بغدادی ها و... دستجات شبه نظامی مسلح طرفدار شان گرز چرخانی میکنند. آدم می کشند، پول و اسلحه از سراسر جهان به آنجا صادر میشود، و اعمال قدرت میکنند! جغرافیایی است که مردم اش هر روز جلوی دوربین ها قربانی عملیات انتحاری هستند! مامن و مسکن انواع داعش و محل رقابت انواع القاعده ها و جبهه النصر و مقتدا صدر و سیستانی و سایر دستجات و گانگسترهای مذهبی و قومی اند

گزارشگران: یک ماه پس از برگزاری رفراندوم استقلال در اقلیم کردستان عراق، کرکوک طبق یک عملیات کوتاه و بدون مقاومت در اختیار نیروهای ارتش عراق و شبه نظامیان حشدالشعبی قرار گرفت. پرچم کردستان را که پیشمرگه های کرد در این شهر به اهتزاز درآورده بودند پائین کشیدند و پرچم عراق را بالا بردند. انتظار میرفت که پیشمرگه های کرد در برابر این نیروها مقاومت بخرج دهند و اینطور نشد. بسیاری معتقدند که خیانت شده است و رهبران کرد را مقصر میدانند. آیا این واقعه میتواند سراغاز جنگی دیگر و جابجائی بحران در کشور عراق شود؟ آیا دست هایی در کار است تا عراق را نیز سوریه ای کند؟ با فعالین و صاحب نظران سیاسی به گفتگو نشستیم.

با ثریا شهابی فعال سیاسی چپ و جنبش زنان در تبعید که سوابقی طولانی در امر مبارزه مخفی در سالهای سرکوب دارد، گفتگو میکنیم. او از جمله موسسان سازمان رهایی زن است.

با درود به شما و سپاس از اینکه درخواست گزارشگران را پذیرفتید.

گزارشگران: اقلیم کردستان چندی پیش در یک همه پرسی با اکثریت قاطع به استقلال آن رای داد. برخی اصولاً برگزاری آن و احیانا دستیابی کردهای عراق به استقلال را حق مسلم آنان و مطابق با اصل حق تعیین سرنوشت برای خلقها دانستند و برخی نیز ضمن تائید این حق بطور کلی اما برگزاری این رفراندوم را در شرایط بحرانی کنونی بلحاظ زمانی و مکانی در این منطقه مضر دانستند. شما آنرا چگونه ارزیابی کردید؟

ثریا شهابی: بنظر من برگزاری یک رفراندوم در کردستان عراق، بر سر ماندن کردستان عراق با عراق فدرال قومی - مذهبی و یا جدایی و تشکیل دولت مستقل، نه یک رویداد زود رس که بیش از دو دهه و از مقطع جنگ خلیج، دیر شده بود و دیر شده است.

در مورد کسانی که بقول شما این حق را در حرف به رسمیت می شناسند اما در عمل "برگزاری این رفراندوم را در شرایط بحرانی کنونی بلحاظ زمانی و مکانی در این منطقه مضر میدانند"، من در ادامه اظهار نظر کنم.

ابتدا در مورد اینکه چرا کردستان عراق به جدایی از عراق نیاز دارد و چرا این یک ضرورت و نیاز روز است و نه صرفاً "حق" و امتیاز " علی العموم و ناشی از این یا آن بند "مصوبات بین المللی و قوانین" کشور.

برای جنبش های واقعی، پای قوانین و مصوبات معمولاً یا برای جلب "حمایت" از یک رویداد و یا برای "مقابله" با آن رویداد باز میشود. طرفداران یک رویداد و یک ضرورت و نیاز مادی، مثبت یا منفی، معمولاً برای به کرسی نشاندن و تقویت خواست شان، به قوانین و مصوبات و .. رجوع میکنند. پروسه برعکس نیست که اول نگاه کنند ببینند قانون چه گفته، بعداً بروند و به حرکت و جنبشی را دامن بزنند. قوانین اول و آخر مسیر پیشروی و عقبگرد جنبش های اجتماعی و سیاسی، و اول و آخر حق آدمیزاد را معلوم نمی کند. هر جنبشی از این قوانین استفاده خود را میکند.

به مسئله حق تشکیل کشور کردستان عراق بازگردیم و اینکه کسب آن امروز نه تنها زود نیست که بسیار هم دیر شده است.

از نظر من این نه یک ضرورت علی العموم و به خاطر * "مطابقت آن با اصل حق تعیین سرنوشت برای خلقها"، عنوانی که به اعتقاد من امروز همچون عنوان "حقوق بشر" بسیار قابل تفسیر و غالباً ابزار اقدام علیه مردم و بخصوص مردم تحت ستم، که ناشی یک ضرورت تاریخی- سیاسی و یک نیاز اجتماعی مشخص است. من به آن "حق تعیین سرنوشت خلق ها" اطلاق نمی کنم. صحبت بطور مشخص در مورد کردستان عراق است و حق مردم آن برای تشکیل یک کشور مستقل. صحبت از جغرافیا و مردمی بلاتکلیف، در دل عراق فدراتیو قومی امروز، است.

صحبت در مورد عراقی است که بیش از دو دهه است که یک کشور یک پارچه با یک حکومت مرکزی نیست. کردستان در عراق در دوره صدام با سرکوب در چارچوب عراق نگاه داشتن شد. عراق کشوری نیست که در آن جنبشهای اجتماعی و طبقاتی تحرک، تحول و تقابل آنها با هم سیر طبیعی خود را طی کرده باشد. مسئله و معضلات کردستان عراق امروز با دهه ۸۰ یا ۹۰، دوره وجود یک حکومت یکپارچه، هر چند دیکتاتوری، متفاوت است.

امروز صحبت از عراقی است که دو دهه است بعنوان یک کشور، متلاشی شده است. از عراق باتلاقی قومی و مذهبی برجای مانده است. دولت "مرکزی" اش، موزائیکی از انواع دستجات قومی و مذهبی است با حاشیه وسیعی از گانگسترهای قومی و مذهبی، امروز تحت کنترل ایران است! فردا معلوم نیست در رقابت های منطقه تحت کنترل حاکمیت کدام گانگستر قومی و مذهبی یا کشور منطقه ای یا غیرمنطقه ای باشد!

عراقی که در آن، کردستان از طریق احزاب ناسیونالیست حاکم بر اقلیم آن، حیاط خلوط ایران و ترکیه و آمریکا و عربستان و... است. جغرافیایی که در آن هر مرجع مذهبی تا مغز استخوان مرتجعی، چون سیستانی ها و مقتدا صدر ها، بغدادی ها و ... دستجات شبه نظامی مسلح طرفدار شان گرز چرخانی میکنند. آدم می کشند، پول و اسلحه از سراسر جهان به آنجا صادر میشود، و اعمال قدرت میکنند! جغرافیایی است که مردم اش هر روز جلوی دوربین ها قربانی عملیات انتحاری هستند! مامن و مسکن انواع داعش و محل رقابت انواع القاعده ها و جبهه النصر و مقتداصدر و سیستانی و سایر دستجات و گانگسترهای مذهبی و قومی اند. جغرافیایی که مردم آن با مهر کرد و ترکمن و عرب یا سنی و شیعه و مسیحی و یزیدی و بر پیشانی، هزار تکه شده و در مقابل هم قرار داده شده اند. در این تصویر و در چنین "مملکتی"، و با وجود فدرالیسم قومی و حکومتی موزائیکی، بعنوان ائتلافی از "نمایندگان اقوام و مذاهب" مختلف، شانس و امکان زندگی مسالمت آمیز در کنار هم پوچ است.

کسانی که جدایی کردستان عراق را، جایی که شانس و امکان جدایی و تشکیل دولت مستقل را بیش از دو دهه است، نه به خاطر اصول و قوانین علی العموم "حق خلق ها"، که به حکم شرایط مادی و دوافکتور آن، زود میدانند، به اعتقاد من طرفدار بلاتکلیف گذاشتن بیشتر مردم در کردستان عراق هستند. اینها عملاً خواهان ادامه وضع موجود و بازگذاشتن سر یک زخم قدیمی، به بهانه شرایطی که بعد از رفراندوم پیش آمده، هستند.

بخشی از صاحبان این نگرش، همچون رویکرد سنتی احزاب ناسیونالیست کرد، تکیه اش بر گرفتن امتیاز از بالا است، که خوب طبعاً باید منتظر تغییر توازن قوا و "مهیا شدن شرایط" از جنس حمله آمریکا به عراق یا جنگ منطقه ای و شکاف جدیدی باشد که بلکه امتیازی کسب شود. این نسخه ای است که مردم کردستان تاریخاً مزه اش را توسط حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد بر سرنوشت شان، چشیده اند و تجربه کرده اند. قربانی و آوارگی و زندگی در کمپ ها و اقلیم ها و فرار به کوه ها و پناهنده شدن به کشورهای همسایه، کشورهایی که خود پرونده خونینی از سرکوب کرد زبان ها در کشور خود دارند، نتیجه در انتظار تغییر توازن قوا ماندن است. در واقع میخواهد این سرمایه، یعنی زندگی و امنیت و کار و مسکن و شهرهای کردستان همچنان در دست قدرت های حاکم در عراق، از عبادی تا سلفی گری و شیعه گری و تا دولت های ایران و ترکیه و عربستان و اسرائیل و آمریکا و ... باقی بماند. خواست اتحادیه میهنی است که کردستان

با عراق متلاشی شده باقی بماند، تا باز از مصائب مردم کردستان عراق و با ریختن اشک تمساح به حال آن، توازن قدرت بین احزاب کردی به نفع این یا آن، را تغییر دهند. بخش دیگری جریانات یا نیرو‌هایی هستند که در حرف مدعی دفاع از حق جدایی اند، اما از نظر آنها هیچوقت زمان برای متحقق کردن آن، حتی در جهنم تکه تکه شده ای به نام عراق، را مناسب نمی‌دانند. این نیروها اساساً از موضع شوینستی ملت بالا دست، از موضع دفاع از "تمامیت ارضی عراق"، از موضع ناسیونالیسم عرب، مخالف فراندنم و استقلال کردستان اند و آنرا زودرس ارزیابی میکنند.

استقلال کردستان عراق، می‌توانست نقطه پایانی باشد بر شکاف قومی- مذهبی که میان مردم "کرد" و غیر "کرد" دامن زده شده، می‌توانست نقطه آغازی باشد بر پایان دادن به سوء استفاده احزاب ناسیونالیست کرد از این تفرقه و مصائبی که مردم در کردستان میکشند. تا امروز خیلی هم دیر شده است.

ضرورت تشکیل دولت مستقل در کردستان عراق، به اعتقاد من، برخلاف روایت ناسیونالیستها، نه از تاریخ تشکیل کشور عراق و تاریخ "بی کشوری" "ملت کرد" در چهار کشور ایران و عراق و ترکیه و سوریه، که هر یک نیازها و مقتضیات خود را دارد، که مشخصاً از نیازهای فوری و امروز مردم در کردستان عراق ناشی میشود. ناسیونالیسم کرد تلاش میکند که این نیاز و این حقیقت را بپوشاند و آن، یعنی نیاز مردم کردستان عراق به تشکیل دولت مستقل، را دستمایه شکل دادن به تحرکی ناسیونالیستی در منطقه و در میان مردم در سه کشور دیگر ایران و ترکیه و سوریه، کند.

مردم در کردستان عراق، که تاریخ تلخ و خونباری از سرکوب توسط دولت های مرکزی در عراق را تجربه کرده اند، سرکوبی که شکاف ملی عمیقی بین مردم کرد زبان و عرب زبان ایجاد کرده است، همیشه حق داشته اند که با جدایی سیاسی و جغرافیایی و کشیدن مرزهای از نظر بین المللی به رسمیت شناخته شده، با تشکیل دولتی مستقل، و تامین امنیت جغرافیای قانونی، این شکاف را کاهش دهند.

بعد از جنگ خلیج و در دل جنگ خلیج، دولت مستقل کردستان عراق، می‌توانست و باید تشکیل می شد. این پروژه از آن مقطع، توسط احزاب ناسیونالیست کرد "هایجک" شده بود. نه کردستان عراق را مستقل کرده بودند و نه در عراق حل شده بودند. تشکیل دولت اقلیم و شریک کردن احزاب ناسیونالیست کردستان عراق در قدرت به جای تشکیل دولت مستقل، از روزی که تشکیل شد، اقدامی نه برای کاهش تنش و شکاف ملی، که برعکس اقدامی در تعمیق آن بود.

جدایی و تشکیل دولت مستقل برای کردستان عراق، قدمی در پایان دادن به بلاتکلیفی این جغرافیا، پایان دادن به سواستفاده نیروهای ضد مردمی از مصائب مردم است. به کردستان عراق بعنوان منطقه ای بی صاحب که هر روز توسط یک باند و دسته و گروه و دولت ارتجاعی منطقه ای یا بین المللی، با آن در رقابت ها و توازن قدرت ما بین خود به بازی گرفته شود، منطقه ای که مردم محروم آن زندگی و امنیت شان بازیچه دست هر گانگستر و حزب و دولتی شود، باید پایان داده می شد. بیست سال پیش باید پایان داده میشد. امروز هم شاهد بودیم این مردم در کردستان عراق نبودند که به استقلال رای منفی دادند بلکه ارتجاع منطقه ای، در همکاری با احزاب ناسیونالیست کرد و ارتجاع بین المللی آنرا به بن بست کشاندند.

گزارشگران: در برابر این پروژه (همه پرسی) صفبندی های سیاسی جدیدتری در منطقه شکل گرفت. مثلث عراق، جمهوری اسلامی و ترکیه اردو غانی برای پیشگیری از تشکیل دولت مستقل کردستان صف کشیدند و تهدیدهایی از سوی آنان انجام گرفت و محدودیت هایی در این ارتباط برای کردها ایجاد شد. برخی میگویند فلسفه این همه پرسی نه دستیابی به استقلال که گرفتن امتیازات بیشتر از دولت مرکزی عراق بوده است. شما چگونه ی ببینید؟

ثریا شهابی: صف بندی هایی که شما به آن اشاره کردید، واقعی است. در برگزاری این همه پرسی، علاوه بر مثلث مورد اشاره شما، شورای امنیت سازمان ملل و آمریکا هم مخالف کردند. امروز هنوز دولت آمریکا، متحد تاریخی احزاب ناسیونالیست کرد، مخالف آن است. احزاب ناسیونالیست کرد حاکم، مشخصاً حزب دمکرات کردستان عراق، "پارتی"، و دولت اقلیم، فراندنم را علیرغم این مخالفت ها اعلام کرد.

بارزانی در هر مصاحبه ای هزار بار تکرار کرد که اجرای رای و حکم مردم بر جدایی، اجر نخواهد شد مگر همه دولت های منطقه، آمریکا و ایران و ترکیه و دولت عراق، موافق باشند. علیرغم اینکه در تبلیغات تاکید میکرد که تا استقلال کردستان از پا نخواهد نشست، اما از همان روز اول معلوم بود که بارزانی قصد معامله و مذاکره و امتیاز گیری به نفع دولت اقلیم، نه بدنبال منفعت مردم در کردستان عراق، را دارد. اما آیا علم به این واقعیت، به این معنی است

که مردم نمی بایست در این رفتارند شرکت کنند؟ یا زود بود؟ علم به این واقعیت، که بیش از همه مردم محروم کردستان عراق آن را تجربه کرده اند، به این معنی است که مردم و نیروهای مترقی و کمونیست ها می بایست با این رفتارند مخالفت میکردند؟ بنظر من مطلقاً نه. این اشتباه است.

کردستان عراق، متعلق به عشیره بارزانی و طالبانی نیست. استقلال و تشکیل دولت مستقل، یک خواست ریشه ای ناشی از یک نیاز و ضرورت تاریخی در جامعه کردستان عراق است. ما کمونیست ها، همیشه و بخصوص در دل جنگ خلیج و پس از آن، خواهان آن بوده ایم. شرایط از آن تاریخ به بعد بسیار مهیا بود. ما بارها و بارها گفته ایم، و مردم در کردستان عراق تجربه کرده اند که احزاب ناسیونالیست کرد نه میخواهند و نه میتوانند مردم کردستان عراق را صاحب یک کشور مستقل کنند. این احزاب تاریخاً جز در شکاف های منطقه ای، جز از طریق بند و پل و معامله و توطئه و .. ابراز وجود و اعمال قدرت نکرده اند. تاریخاً، همیشه مصائب و محرومیت ها، آوارگی و جنگ و خون های ریخته شده از مردم کردستان عراق را، دستمایه امتیاز گیری برای شریک شدن در قدرت مرکزی کرده اند. احزابی که تا مغز استخوان فاسد اند. حتی در سرنگونی دولت مرکزی عراق، در سرنگونی صدام، حتی در خلا قدرت مرکزی هم، این احزاب نه میخواهند و نه میتوانند، نه بنیه آن را دارند و نه لیاقت و اشتیاق آن را دارند که دولت مستقلی تشکیل دهند. این احزاب تاریخاً ثابت کرده اند که کمترین ربطی به مصائب و محرومیت های مردم کردستان عراق ندارند. احزابی که امروز، پس از دو دهه شرکت در قدرت در عراق، دیگر چیزی بیش از مافیای های قدرت نیستند.

این واقعیت دارد که بارزانی برای کاهش فشار اعتراضات و برای قرار گرفتن در موقعیت مناسب تری در مذاکره با عبادی و شرکا منطقه ای، چون ایران و ترکیه، با کارت رفتارند بازی کرد. با کارت استقلال کردستان عراق بازی کرد، تا حاصل آن را وجه معامله با عبادی و ایران و ترکیه کند. چشم به چرخش در سیاست آمریکا و هواپیماهای نجات بخش ناتو، از نوع آنهایی که بغداد را به خاک و خون کشید، دوخته بود! لازم به افشاگری نبود که بارزانی قصد تشکیل دولت مستقل، ندارد.

با این وجود، با وقوف به اهداف بارزانی، شما مشاهده میکنید که قطب بندی در جامعه حول یکی از خواست های اصلی و تاریخی مردم در کردستان عراق در حال شکل گیری است. شما بعنوان کمونیست و طبقه کارگر، بعنوان انسان آزادیخواه، اگر قدرت داشتید این رفتارند و نتیجه اش را از آن مردم کردستان عراق میکردید. اما متأسفانه کمونیستها در این موقعیت نبودند. خود پروسه رفتارند، میتواند و هنوز میتواند، به کنار زدن این احزاب بیانجامد. به نسبت قدرت نیروهای مترقی، جنبش کمونیستی و طبقه کارگر میتوانند حول خواست هایشان که: اجرای فوری رای مردم، تشکیل دولتی غیرقومی و غیرمذهبی، تشکیل دولتی سکولار، ممنوعیت دیپلماسی مخفی و بدور از چشم مردم، تسلیح عمومی و همگانی مردم برای به اجر درآوردن خواست شان، قدرت مند شد و در صحنه ابراز وجود و اعمال قدرت کرد.

قدرت های حاکم، در این و آن مقطع اقدامات سیاسی میکنند، گاه ریسک میکنند، گاه عوامفریبی میکنند و برای کاهش فشار روی خود دست به اقدامی میزنند، که جامعه را حول خود قطبی میکند. شما میدانید که قطبی میشود. حول خواستی که شما با آن موافق هستید، قطبی میشود! حول خواستی تاریخی و ریشه ای است و میدانید که مردم با دل و جان به میدان میآیند و مردم را به میدان میآورد. این میدان شما است! از روز اول قرار بوده است که میدان شما باشد! شما نمی توانید در این شرایط مبشر حفظ وضع موجود و ماندن با عراق فدارتیو قومی، که حتی پیش از رفتارند هم قابل حفظ کردن نیست، باشید.

هر دو طرف، دولت عبادی و اقلیم به محض شروع جنگ موصل، خود را برای تعیین تکلیف آینده عراق و آینده سهم خود در آینده عراق آماده میکردند. بارزانی با کارت استقلال تلاش کرد جغرافیای بیشتری را تحت کنترل داشته باشد و عبادی با پرچم عراق یکپارچه همان هدف را دنبال میکرد. بارزانی رفتارند را فراخواند تا فشار اعتراض از پایین را روی خودش و دولت فاسد اش کم کند و در عین حال و شاید مهمتر این بود که معلوم بود دولت عبادی، به رهبری ایران، به تعادل کنونی تن نخواهند داد. معلوم بود که پس از شکست دادن داعش در موصل تلاش میکند که کرکوک را، اگر با فشار و معامله با "یکتی" و "پارتی" نتوانند، اگر با فشار اقتصادی و تحمیل فقر به مردم کردستان نتواند، با زور پس بگیرد. این یعنی پاک سازی های قومی و وارد فازی نامعلوم شدن از جدال ها و صف بندی های جدید. ادامه شرایط قبل از رفتارند، به معنی تقابل احزاب بارزانی و طالبانی و به میدان آمدن انواع دستجات دیگر گانگستر های قومی و مذهبی، حشدا لشعبی و ... برای بازپس گیری کرکوک بود. این دورنمای وضع موجودی بود که قابل ادامه دادن نبود.

گزارشگران: شهر نفت خیز کرکوک از نقاط بسیار مهمی بود که توسط نیروی پیشمرگه ها آزاد و بخشا کنترل میشد. با پیشروی نظامی ارتش عراق و نیروهای شبه نظامی شیعه این شهر بدون مقاومت از سوی کردها و اگذار شد. پیشمرگه های کرد دستور عقب نشینی از مواضع خود گرفتند. برخی آنرا خیانت رهبری دانستند و رهبری هم این اقدام را نه عقب نشینی بلکه جابجائی و برای پیشگیری از کشتار کردها اعلام کرد. ارزیابی شما چیست؟

ثریا شهابی: روشن بود که عوامفریبی بارزانی مبنی بر اینکه "گردنش را بزنند از حق استقلال کوتاه نمی آید"، تنها و تنها برای سوار شدن بر گرده مردمی بود که عمیقاً به قدرت شان برای به کرسی نشاندن خواست تاریخی شان امید بسته و به میدان آمده بودند. مردمی که ادعا بارزانی را، امروز در مقابل دویین ها "تف" باران کرده اند! امروز تبلیغات و شارلاتانیسم بارزانی، بسرعت دستمایه حمله مردم شده است. مردم به عشیره بارزانی و طالبانی خائن می گویند. "خائن" اگر بیان مناسبی از نظر ما کمونیست ها نباشد، چرا که این وضعیت را از قبل میدانستیم و بارها و بارها خطر آن را اعلام کرده بودیم، اما رابطه مردم با این احزاب و سران شان را نشان میدهد. انزجار و خشم برحق مردم را منعکس میکند. به بیان ما، صفت "خائن"، که مردم در کردستان عراق بر سینه سران اتحادیه میهنی و بارزانی آویخته اند، نشان رسمیت دادن به این واقعیت است که از نظر مردم کردستان عراق، این ها نه دوست، که دشمن مردم هستند.

مردم در کرکوک و همه شهرهای دیگر کردستان عراق، امیدوار و آماده دفاع و در صورت لزوم دفاع مسلحانه از دستآورد شان، یعنی اعلام استقلال بودند. کرکوک قرار بود، یا می بایست، بعنوان یکی از مناطق مورد مناقشه، پس از این فراندم، در فراندنی دیگر که همه شهروندان مستقل از زبان و مذهب و ... در آن آزادانه شرکت کنند و رای دهند. که به کردستان مستقل می پیوندند یا با عراق می مانند، تعیین تکلیف شود. این پروسه اساساً آغاز نشد.

در این میان دو حزب اصلی ناسیونالیست کرد در عراق رای مردم را دستمایه تسویه حسابهای قدیمی خود کردند. بارزانی به امید حمایت جنگنده های امریکا نشست و طالبانی به حمایت ایران و دولت عبادی و نتیجه این شد که بارزانی میخواست از رای مردم، برای مذاکره با عبادی، استفاده کند، "بازی" را به خانواده طالبانی باخت.

ارتش عراق و حشدالشعبی، نیروی شبه نظامی شیعه که بازوی نظامی جمهوری اسلامی ایران است، بدون مقاومت کرکوک را تصرف کردند. بند و بست ها از قبل صورت گرفته بود. تصویر گریان پیشمرگانی که از بند و بست اتحادیه میهنی با قاسم سلیمانی از ایران و عبادی از عراق برای معامله با کرکوک و تحویل "داوطلبانه" این احزاب خبر نداشتند، و فریاد اعتراض و اعلام نفرت از سران عشیره بارزانی و طالبانی، به زبان خود میگوید که چه اتفاقی افتاد.

مخالفت با دیپلماسی مخفی، تسلیح عمومی و همگانی، دفاع از دستآوردهای خود به نیروی خود، سنت مقاومت و قهرمانی مردمی است، در مقابل توطئه و معامله و امید به دخالت امریکا یا چشم انتظار شکاف و بحران بین قدرت های منطقه، که سنت مقاومت و ناقهرمانی ناسیونالیسم تا مگر استخوان فاسد کرد است. کمونیست ها بر این خواست ها پافشاری کردند، که در مقابل آنچه که در کرکوک رخ داد سد ببندند! که متأسفانه از قدرت کافی برخوردار نبودند.

این ادعا که "رهبری هم این اقدام را نه عقب نشینی بلکه جابجائی و برای پیشگیری از کشتار کردها اعلام کرد" دروغ محض، شارلاتانیسم سیاسی و وسیله سرپوش گذاشتن بر اهداف کثیف سواستفاده از مصائب مردم برای معامله به نفع خود و به ضرر مردم و به قیمت به خون کشاندن کردستان عراق است.

سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران و قاسم سلیمانی در اتحادیه میهنی دپارتمان مهمی دارند. به اندازه طالبانی در این حزب قدرت دارند! بارزانی هم که شریک معامله و بده بستان بین احزاب و دولت ایران و عبادی است، چشم امیدش به امریکا بود که کور شد. امروز بارزانی باید بر "امام زاده" اردوغان دخیل ببندد، که فعلاً از این "امام زاده" هم معجزه ای به نفع بارزانی در حال شکل گیری نیست.

مردم کرکوک و سایر شهرهای کردستان عراق، در اعتراض شان، با "خائن" و "مردم فروش"، خواندن این احزاب، واقعیت عقب نشینی یا تسلیم پنهانی و توطئه را، بازگو کردند! بعلاوه مردم کردستان عراق این احزاب را دیگر نه در اپوزیسیون که در قامت شریک قدرت مرکزی، رئیس دولت اقلیم و رئیس جمهور عراق، دو دهه است که دیده اند. تجربه حاکمیت بیش از دو دهه این ها در کردستان را دارند. بازی امروز این ها با مصائب مردم در کردستان عراق، با بند بست های دیروز متفاوت است. مردم این ها را در قدرت دیده اند. نفرت و انزجار از آنها، پس از این معامله و بده بستان کثیف، از جنس معامله با داعش برای گرفتن کرکوک و تحویل سنگال، با بند و بست ها و توطئه های گذشته متفاوت است.

آوارگی و روانه کوه کردن مردم بیگناه، بی دفاع و بی سلاح مردم را در معرض حملات شیمیایی و بمباران و آتش زدن روستاها، قرار دادن و عکس گرفتن با آن و امتیاز گرفتن به خاطر این مصائب، تمام سرمایه سیاسی این جنبش گنبدیده و عفونی است. این بار اما، مسئله به سادگی گذشته نیست.

مسعود بارزانی و سران اتحادی میهنی، هردو به یک اندازه مسئول فرار از کرکوک و مسئول توطئه علیه مردم کردستان عراق اند. این ها، امروز اپوزیسیون نیستند! به اندازه حشدالشعبی و عبادی و سلیمان قاسمیانی، شریک خفه کردن مردم در کردستان عراق و شریک خون پاشاندن به عراق و دامن زدن به جنگ قومی و مذهبی بیشتر در این جغرافیا هستند. نباید به این ها فرصت داد که به سنگر یک گروه و حزب اپوزیسیونی، معترض و شاکی عقب نشینی کنند. این ها به اندازه عبادی مسئول و مشمول اند.

گزارشگران: نیروهای ارتش عراق و حشدالشعبی بدون مقاومت وارد کرکوک شده اند و پرچم کردهای عراق را بزیر کشیده اند و پرچم خود را بالا برده اند. با توجه به ترکیب قومی موجود در این شهر آیا بنظر شما کرکوک آستان بحران و درگیری های جدید خواهد بود.

ثریا شهابی: آخرین خبری که من داشتم فرار مردم کرد زبان از کرکوک و بعلاوه درگیری پیشمرگان در سایر نقاط کردستان است. کرکوک با توجه به فاکتوری که شما به آن اشاره کردید، میتواند آستان بحران و درگیری های جدید بشود. بحران و کشمکش و ... خودبخود بوجود نمی آید. مردم کرکوک (عرب زبان، کرد زبان، ترکم و شیعه و سنی و مسیحی) مدت ها تحت حاکمیت صدام و مالکی و عبادی و دولت اقلیم، با هم زندگی مسالمت آمیزی کرده اند. اگر بحرانی بوجود بیاید، این بحران نه توسط مردم که توسط نیروها و باندهای قومی و مذهبی بوجود آورده میشود و مردم را هم به جان هم میاندازد.

اما فکر میکنم که مسئله در سایر شهرهای کردستان عراق، و تسویه حساب در قدم اول با احزاب ناسیونالیست حاکم، صورت بگیرد. بارزانی تلاش میکند که خود را در راس مقاومت مردم قرار دهد و باز آن را وجه معامله با دولت عبادی و ایران کند. در ادامه اگر باز این بارزانی و اتحادیه میهنی باشند که بر مقدرات مردم در کردستان عراق سوار بمانند، بنظرم دورنما خطرناک است. آوارگی، فرار، کوچ های اجباری و محرومیت و تخاصمات قومی و مذهبی عمیق تری در پیش رو خواهد بود. بنظرم عشیره بارزانی و طالبانی برای ادامه این نقش، در مقابل مردم در کردستان عراق و در مقابل نیروهای مترقی و بخصوص میلیتانت در کردستان عراق، دست و پای بسیار بسته تری از گذشته دارند. این بحران میتواند به کنار زدن تمام و کمال این احزاب، و به میدان آمدن مستقلانه مردم بیانجامد. اگر نیروهای مترقی، کمونیست و آزیخواه، از ضعف احزاب فاسد ناسیونالیست حاکم، بیشترین استفاده را برای متشکل کردن مردم، مسلح کردن مردم، و به میدان آوردن و در میدان نگاه داشتن آنها، ببرند. شانس برای به میدان آمدن هم نیروهای مترقی، رادیکال، چپ و کمونیست باز می شود و هم برای دستجات مرجع قومی و مذهبی.

گزارشگران: گفته میشود که جمهوری اسلامی با نمایندگی قاسم سلیمانی و همراهی خانواده جلال طالبانی نیز در این واقعه دخیل بوده اند. جریان چه بوده است؟

ثریا شهابی: همانطور که بالا تر اشاره کردم، سپاه پاسداران و قاسم سلیمانی، یعنی جمهوری اسلامی، علاوه بر داشتن دسته شبه نظامی مسلح شیعه خود، حشد الشعبی، رسماً در اتحادیه میهنی شعبه دایر کرده اند. استفاده از اتحادیه میهنی برای جمهوری اسلامی ایران تاریخ بلند بالایی دارد. اما این فقره، و در این سطح، موضوع دیگری است. رابطه احزاب ناسیونالیست کرد با دولت های سرکوبگر ایران، تاریخی دارد.

انزوای اتحادیه میهنی و تبدیل شدن آن به یک نیروی بقول کردها "جاش"، سناریو فی الحال شکل گرفته ای است. در غیاب نیروی مترقی، چپ و کمونیستی که بتواند "میلناتی" که در کردستان عراق از حق کشور دار شدن عقب نمی نشیند و حاضر است بقول مردم در راه آن جان بدهد، را به سمت خود و شیوه ها و اهداف انسانی و مترقیانه خود سوق

دهد، این میلیتاریسمی میتواند جلب گروه های افراطی ناسیونالیستی کرد شود. خلا رهبری در جدال مردم کردستان عراق برای استقلال، میتواند باعث عروج هر نیرویی و از جمله چپ، کمونیسم، سکولاریسم و آزادیخواهی شود! باید به پیشواز آن رفت! برایش تدارک دید! و نیرو جمع کرد. در غیر این صورت این خلا میتواند توسط انواع گانگسترها و دستجات مرتجع ناسیونالیست و مذهبی افراطی، پر شود.

گزارشگران: نقش و جایگاه کشورهایمانند آمریکا و اسرائیل و عربستان در این تحولات چگونه است؟

ثریا شهابی: مخالفت آمریکا، در وهله اول به این دلیل است که امروز به بازی با کارت کرد نیاز ندارد. همانطور که سخنگوی وزارت خارجه اعلام کرده است، نگران استفاده و باز شدن میدان پیشروی برای ایران بوده و هستند. مسئله کرد برای هیئت حاکمه های مختلف آمریکا، هرگز به معنی تلاش آنها برای حل مسئله کرد و ایجاد کشور مستقل کردستان عراق نبوده است و نیست. امروز و پس از جنگ سرد، دول غربی و در راس آنها دولت آمریکا، مطلقاً بدنبال "رفع ستم ملی" و حمایت از "جنبش های استقلال طلبانه" در هیچ کجای جهان نیستند! اگر این ها در دل جنگ سرد و دوقطبی که بر جهان حاکم بود، توسط این یا آن قطب امپریالیستی میتوانست مورد حمایت قرار گیرد، و میتوانست منافع سیاسی آن موجب تغییر توازن قدرتی میان قدرت های متروپل شود، امروز صحنه تماماً وارونه است. پس از پایان جنگ سرد، منافع کشورهای متروپل، و در راس آنها بورژوازی غرب تنها و تنها از طریق "ملیت" و "قومیت" و "مذهبیّت" سازی های قرون وسطایی، تامین میشود. امروز یوگسلاوی و عراق و لیبی و سوریه، مدل کشور سازی است. نه کوبانی و کردستان و این و آن جغرافیایی که تقسیمات جغرافیایی آن میتواند مردم را از امنیت بیشتری برخوردار کند و یا به معضل نفاق قومی پایان دهد. امروز حفظ اسرائیل و عربستان، بعنوان دو کشور یکی با حکومتی ضدعرب و دیگری با حکومتی مرتجع شیوخ مذهبی، برای بورژوازی غرب دشوار است. قادر به حفظ و حمایت از آنها به شکل گذشته نیست. در این شرایط آمریکا مطلقاً هرگز پروژه ساختن کردستانی در خاورمیانه و در دل خاورمیانه عربی را در دستور نداشته است. بازی با کارت مصائب کرد، یکی از سرمایه های دخالت اش در خاورمیانه و در تغییر توازن قدرت بوده است.

عامل دیگر، به میدان آمدن مردم، و دخالت مردم، علیرغم مخالفت غرب و کشورهای منطقه است. این یعنی بازی دادن نیروی سوم. هیچ کشوری امروز، به غیر از زبان "زور"، به دخالت و قدرت گیری مردم از پایین رضایت نخواهد داد. مردم در کردستان عراق این قدرت و این "زور" را به میدان آورند، که توسط احزاب فاسد عشیره طالبانی و بارزانی به بازی گرفته شد. اسرائیل و عربستان سعودی، غالباً از سیاست آمریکا پیروی میکنند. در این شرایط باز برای آنها استفاده از کارت کرد و رفراندم، در شراکت با عشیره بارزانی و طالبانی، منتفی نیست. حتماً سعی میکنند امکانی برای عقب زدن ایران پیدا کنند. اما این امکان و این دخالت، از نوع امکان و دخالت حشدالشعبی و ترکیه است. مردم باید مستقلاً قدرت شان را اعمال کنند. توهم و دل خوش کردن به دخالت آمریکا و اسرائیل و عربستان، ادامه سرنوشت گذشته، مخرب و مخاطره آمیز است.

گزارشگران: آنچه مسلم است این وضعیت جدید پس از همه پرسی کمک زیادی به حل بحران منطقه نمی کند و در این میان دولت اسلامی داعش میتواند از فضای ایجاد شده به بازسازی خود بپردازد. چشم انداز را چگونه میبینید؟ آیا ظرفیت ها و پارامترهای موجود احتمال سرانجامی بدون آغاز جنگ و کشتاری دیگر از طریق گفتگو را میدهد؟

ثریا شهابی: تصور من این است که امروز در کردستان عراق میتواند روند انتظار و دلسردی و .. توسط توافقات بارزانی و عبادی و ایران و آمریکا و .. مردم را موقتاً از صحنه خارج کند. اما در کردستان عراق غول از شیشه خارج شده است. مردم احساس قدرت کردند، علیرغم مخالفت تقریباً همه قدرت های اصلی جهانی، رای شان را دادند و از میدان خارج نشدند. درست است این از جنبه ای به احساسات ناسیونالیستی در منطقه دامن زده است. اما از طرف دیگر به احساسات دخالت مستقیم و احساس اتکا به قدرت خود از پایین هم دامن زده است. به احساس نفرت از احزاب سنتی ناسیونالیستی در کردستان هم دامن زده است. امروز پرونده همه شان از ایران تا ترکیه را روی میز گذاشته است.

تا جایی که به کردستان عراق برمیگردد، بنظر من مردم باید مسلح شوند. سران این احزاب را خلع سلاح کنند. پیشمرگان و نیروهای نظامی شان را به پیوستن به صف تسلیح عمومی مردم فراخوانند. سران اتحادیه میهنی و پارتی را، به جرم توطئه علیه اراده مردم، علیه مردم، و علیه امنیت مردم، باید محاکمه کرد. خلع سلاح و خلع مسئولیت حداقل مجازات کاری است که سران این احزاب بار دیگر با مردم در کردستان عراق کرده اند. این تنها راه جلوگیری از تکرار

مرتب این رویدادها است، که به رهبری این احزاب صورت گرفته است. در غیر این صورت در صورتی که در چشم مردم، این رویداد برای مسئولین آن عواقب ای نداشته باشد و مجبور نشوند که عواقب کاری که مردم به آن "خیانت" و "مردم فروش" میگویند را بپذیرند، و مسئولیت کارشان را بعهده بگیرند، این چرخه باز و باز تکرار میشود.

اگر احزاب حاکم، "یکتی" و "پارتی"، شانه هایشان را برای عروج حشدالشعبی و ارتش عراق زیر پایشان قرار نمی داند، این ها هرگز قادر نبودید به سادگی مردم در کردستان عراق را عقب بزنند. در این حالت، هیچ چیز عادلانه تر از جنگ مردم در کردستان عراق برای اجرای حکم و اراده شان، نبود! جنگی که جهانیان از آن دفاع میکردند. بنظر من رویارویی های جدیدی، حول مسئله کرد، شکل میگیرد و فی الحال در حال شکل گیری است. سرکوب مردم در کردستان عراق، در ایران انعکاس و بازتاب ویژه ای خواهد داشت.

برای ما این بخصوص، حائز اهمیت و تعمق است. در شرایطی که سپاه در عراق از طریق کردستان پیشروی میکند، در شرایطی که تحریم سپاه بعنوان یک نیروی تروریستی و یا حامی تروریست، شرایط ایران را بحرانی تر کرده است، بازتاب دخالت سپاه در کردستان عراق، در ایران به مراتب با گذشته متفاوت است.

دخالت ایران در سیر استقلال کردستان عراق، تصرف کرکوک و گسترش میدان عمل در عراق، سرمایه گذاری بر حشدالشعبی عراق با توهم و امید به "حزب الله سازی" دیگری در منطقه که از مصائب مردم محروم فلسطین ارتزاق میکرد، میتواند سرعت به عکس خود تبدیل شود و ورق را برگرداند. این میتواند کردستان عراق و کردستان ایران را برای جمهوری اسلامی به جهنمی تمام عیار تبدیل کند.

دخالت نیروی نظامی سپاه در تصرف کرکوک و در تعرض به دست آورد مردم در کردستان عراق، میتواند آغاز رویارویی های بیشتر جمهوری اسلامی در کردستان ایران هم باشد. کردستان ایران میتواند این پیشروی را به مذاق سپاه و سردار قاسمیانی و مقام معظم و جناب روحانی و همه سران در حکومت ایران، زهر کند.

از منظر مردم در کردستان ایران، جنگ و بمباران و خمپاره باران شهرهای کردستان ایران، یکی از ارکان تولد و شکل گیری جمهوری اسلامی ایران است. در نگاه مردم در کردستان ایران، ارتش و سپاه پاسدارن جمهوری اسلامی ایران، بارها و بارها از شهرها و روستاهای کردستان ایران، بعنوان "نیروهای اشغالگر"، به قدرت نظامی خود مردم، فراری داده و اخراج شده اند. این رابطه جمهوری اسلامی با کردستان ایران است. بازی با "کارت کرد" در منطقه، اگر تاریخا برای آمریکا "محلّی از اعراب" داشته است، برای ایران اما، با توجه به تاریخی از سرکوب و تعرض حکومت، و با توجه به قریب یک دهه جنگ و مقاومت وسیع نظامی مردمی در مقابل آن، میتواند برای جمهوری اسلامی به بازی با آتش دامن بزند. تحرکات سپاه و جمهوری اسلامی برای سرکوب مردم کردستان عراق، که در حرکتی «مسالمت آمیز» خواستار تشکیل دولت مستقل شده اند، در ایران و بخصوص در کردستان ایران، با سکوت روبرو خواهد شد.

گزارشگران: چنانچه نکته یا پیامی دارید لطفا مطرح کنید

ثریا شهابی: با تشکر از گفتگویتان. صحبت بیشتری ندارم

گزارشگران: با تشکر از شما و امیدوار که در آینده نیز بتوانیم از نظرات و تجارب سیاسی شما بهره ببریم.

20.10.2017